

زورخانه‌گردی؛ رسم پهلوانان تهرانی در ماه مهمانی خدا

زنان برای تهیه افطار و سحر جایزه می‌گرفتند



نقش زنان در برپایی آیین ماه مبارک رمضان در تهران قدیم بسیار پررنگ بود؛ آدابی که مختص به زنان بوده و آنها با شروع ماه مبارک رمضان خود را به انجام آنها موظف می‌کردند.

زنان قبل از شروع فصل روزهداری دست به کار می‌شدند. آنچه آنها چند هفته قبل از ماه رمضان انجام می‌دادند در گذراندن یک‌ماه‌روزهداری آرام و خوش بسیار نقش داشت. اردشیر آل عوض، تهران‌پژوه، در این باره می‌گوید: «زنان اول خانه را برای ماه رمضان آماده می‌کردند و بعد خود را آراسته می‌کردند. در حقیقت همانگونه که برای عید نوروز خانه‌تکانی می‌کردند برای ماه رمضان هم خانه تمیز و پاک می‌شد. کدبانوها خانه را آب و جار می‌کردند و مردان هم برای غبارروبی مساجد رهنساری می‌شدند. زنان معمولاً لباس می‌دوختند و چادرهایی که برای این ماه می‌پوشیدند بلند بود و حتماً رو بنده می‌زدند. محال بود زنی در ماه رمضان سرخاب و سفیداب بزند.»

یکی از سنت‌های جالب زنان تهرانی کیسه‌دوزی بود که به نیت افزایش رزق و روزی و برکت در این ماه انجام می‌شد. این رسم در روستاهای تهران، به خصوص روستای طرشت، بسیار باب بود. زهر محمدی، بانوی طرشتی، می‌گوید: «یادم می‌آید سنت کیسه‌دوزی را زنان روستا هر سال انجام می‌دادند. تکه‌های پارچه‌های تمیز را جمع می‌کردند و با آنها کیسه‌های کوچک درست می‌کردند. این رسم بیشتر در شب بیست و نهم ماه رمضان انجام می‌شد. درون کیسه‌ها هم بادعا و تسبیح و مهر و گاهی طعام پر می‌شد که به نیت سلامتی و رزق و روزی بود.»

از دیگر وظایف زنان در ماه رمضان آماده‌سازی افطار و سحر بود. آنقدر که جعفر شهری در کتاب خود می‌نویسد: «یکی از رسوم جالب تهرانی هادر ایام قدیم این بود که برخی از مردها به زن‌های خود که سحرها زودتر از بقیه بیدار می‌شدند و غذای بهتری تهیه می‌کردند جایزه و انعام می‌دادند. از بعد سحر تا ۲ ساعت به ظهر همه می‌خوابیدند و سپس از آن مردها از خانه خارج شده و به سرکار خود می‌رفتند.»

زنان برای تهیه غذا، آذوقه و وسایل مورد نیاز طبخ را از چند هفته قبل از ماه رمضان آماده می‌کردند. زری میوه‌چی، از اهالی قدیمی تهران، از خاطرات خود از محله گلوبندک می‌گوید: «یادم می‌آید برای پخت آش رمضان از لوبیاهایی استفاده می‌کردیم که مادرم قبلاً خشک کرده بود. سبزی خشک کردن هم که رسم اغلب زنان تهران بود تا دستشان برای پخت‌وپز خالی نباشد.»

هدیه به دخترکانی که روزه کله گنجشکی می‌گرفتند باب بود و برای تشویق روزهداری، برایشان شیرینی و غذای خوش طعم درست می‌کردند.

در سه شب قدر نیز زنان قرآن به سر می‌گرفتند، دعای جوشن کبیر می‌خواندند و در پایان هر بند گلاب و ششیرینی بخش می‌کردند؛ این رسم بیشتر برای زنان اعیان و درباریان بود.



در این ماه فعالیت‌های پهلوانان و ورزشکاران متوقف نمی‌شد و تا سحر درهای زورخانه باز بود. بهانه این آیین تنها صلح‌رجم نبود. هر چند بهانه‌ای برای دیدن دوستان و به خصوص پهلوانان زورخانه‌های مختلف بود، ولی انگیزه اصلی آیین زورخانه‌گردی حل‌وفصل مشکلات مردم در ماه خدا بود.

به موازات سنت نیک زورخانه‌گردی در ماه رمضان، در تهران قدیم رسم نیکی به نام گل‌ریزان انجام می‌شد و همچنان این رسم در میان ورزشکاران و پهلوانان زورخانه‌های شهر ماندگار است و انجام می‌شود. عبدالرحیمی درباره رسم گل‌ریزان ماه رمضان می‌گوید: «سنت بسیار نیک و پسندیده‌ای بود. در حقیقت روزهداری را به عمل به نمایش می‌گذاشتند. سعی می‌کردند جوپای احوال همدیگر باشند و در گود زورخانه مشکلات را حل‌وفصل کنند. ورزشکاران و



زورخانه‌گردی و گل‌ریزان در ماه مبارک رمضان از قدیمی‌ترین سنت‌های تهرانی‌هاست که همچنان جان دارد و با حلول ماه رمضان در میان پهلوانان و مردم انجام می‌شود.

ماه مبارک رمضان ماه جان‌بخشیدن به فضایل اخلاقی و همدلی و نوع‌دوستی از روزگار قدیم بهانه‌ای برای انجام فعالیت‌های عام‌المنفعه بود. همایون عبدالرحیمی، نویسنده و تهران‌پژوه، درباره آیین زورخانه‌گردی در ماه مبارک رمضان می‌گوید: «آیین زورخانه‌گردی ماه مبارک رمضان یکی از سنت‌های دیرین ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی بوده است که بیشتر جنبه صلح‌رجم در ماه رمضان دارد، به این صورت که زمانی افرادی برای بازدید به زورخانه‌های می‌روند، بعد از آن همگی افراد همراه یکدیگر به زورخانه بعدی خواهند رفت و این روند ادامه پیدا می‌کند. جالب اینکه

راه و روش کاسبی و حکایت ترازوها

راه و روش‌های کاسبی در این ماه می‌گوید: «کاسبان در این ماه بیشتر از ایام دیگر به ترازوهایشان، حساس بودند. ترازوها و باسکول‌هایشان را اواخر شعبان حتماً چک می‌کردند یا سنگین‌تر می‌گرفتند تا کم‌فروشی در معامله صورت نگیرد. حتماً در بازار جنس باکیفیت می‌آوردند و سعی می‌کردند جنس‌هایشان را ارزان‌تر بدهند. همچنین با خوشرویی با مردم رفتار می‌کردند. این رفتار کم‌وبیش در بازار همچنان دیده می‌شود.

علاوه بر این، صبح‌ها که بازاری‌ها می‌آمدند، اول قرآن را روی میز می‌گذاشتند و قرآن‌شان را می‌خواندند. آن دوران در بازار، درس مکاسب برگزار می‌شد، به همین خاطر اوستاها، شاگردهایشان را می‌فرستادند که درس مکاسب ببینند. بازار اغلب در این ماه بعد از نماز ظهر تعطیل می‌شد. در آن دوران می‌بینیم که رمضان، ماه دوستی، رفع کدورت‌ها، ماه آشتی‌کنان و طلب بخشش از دیگران بود.

